

مردم باید جلو بازی های سیاسی خطرناک کرزی را بگیرند!

تشکیل جرگه فرمایشی یکصد و شصت و چند نفری برای ائتلاف دو تیم نامزدان ریاست جمهوری، تیم آقای زلمی رسول و تیم قیوم کرزی، یا انصراف یکی به نفع دیگری، که امروز در رسانه های کشور مطرح و سبب نگرانی های شدید مردم شد، شاید یکی از بازی های بسیار زیاد خطرناک دیگر رئیس جمهور کرزی در این برهه ای از زمان باشد. آقای کرزی طی بیشتر از دوازده سالی که در رأس قوه اجرائیه کشور قرار داشت، طوری که همه می دانیم، با سرنوشت مردم و با اعتبار و حیثیت و با هست و بود این کشور بازی های خطرناکی نموده است.

امضا نکردن معاهده امنیتی، با ایالات متحده امریکا، در حالی که کشور ما شدیداً به امضای چنین معاهده کمک های جامعه جهانی نیاز دارد، یکی از بزرگترین بازی های خطرناکی بود که وی با سرنوشت و آینده کشور و مردم افغانستان، با بی مسئولیتی تام و تمام، نمود.

چنین کاری می تواند از یکطرف زمینه بازگشت دو باره طالب و سلطه مجدد پاکستان بر افغانستان را فراهم کند و از طرف دیگر مخالفین سازمان یافته طالب و پاکستان در افغانستان را، که کم هم نیستند و تقریباً همه دارای ذخایر کافی سلاح های خفیف و سنگین هستند و برخی از جانب کشور های مخالف طالب پشتیبانی می شوند، برای زنده ماندن خودشان، با جنگ با طالب، یعنی با خانه جنگی، تشویق کند.

حکومت های ملی و مدبر در چنین شرایط حساس کاری نمی کنند که کشوری را که طی سی و پنج سال در بحران های مختلف و قابل تشویش به سر برده است، باز هم به سوی کشیدگی و بحران بیشتر سوق بدهد و گره های افنیده و بی اعتمادی های بوجود آمده را در میان مردم کشور سخت تر و عمیق تر بسازد.

در این باره زیاد سخن را به درازا نمی کشم و نمی خواهم پیش از مردن کفن پاره کنم، زیرا باز هم احتمال این که بالاخره معاهده امنیتی مذکور امضا شود، زیاد وجود دارد؛ ولی آن چه نگران کننده است، این است، باز هم می گویم، که تلاش های آقای کرزی برای کمک به برادرش از طریق یک جرگه نمایشی می تواند برای کشور به همان اندازه خطرناک باشد که آمدن طالب و در گرفتن جنگ داخلی.

از نظر من کرزی به عنوان یک فرد حق دارد از نامزد مورد نظر خود حمایت کند، اما این حمایت به عنوان رئیس جمهور و استفاده از امکانات موجود و دست داشته یک رئیس جمهور امری است هم غیر قانونی و هم غیراخلاق.

رئیس جمهور حق دارد، در صورتی که برخی از افغانان به نمایندگی یک کتله بزرگ تر برای ابراز نظری، بدون این که حکومت آن را بوجود آورده باشد، یا از طرف حکومت دست کاری شده باشد، نزد وی مراجعه کنند، آن ها را بپذیرد و سخنان شان را بشنود،

ولی حق ندارد که، در صورتی که کار و یا سخنان آن ها با قوانین موضوعه کشور در تضاد باشد، آن کار یا آن سخنان را بپذیرد و تأیید کند.

در قضیه مراجعه بیست نفر به نمایندگی یکصد و شصت و چند نفری که نام جرگه را بر روی خود گذاشته اند، رئیس جمهور باید واضح و روشن موقف بی طرفی خویش را اعلام کند و به نمایندگان جرگه واضح و روشن بگوید که کار نیک کردید که آمدید، اما من حق ندارم به عنوان یک رئیس جمهور در این خصوص حرفی بزنم، رأی بدهم و یا این که جانب کسی را بگیرم. اگر من رئیس جمهور نمی بودم، به خصوص اگر در این قضیه نام برادرم در میان نمی بود، و شما به من مراجعه می کردید، شاید نظری یا پیشنهادی را مطرح می کردم، اما در موقعیت فعلی امیدوارم مرا ببخشید.

این حرفی است که ملت شریف افغانستان که سخت علاقمند ختم کشیدگی ها، بی قانونی ها، خودسری ها و زورگوئی ها، چه در حکومت و چه بیرون از حکومت هستند، از یک رئیس جمهور واقعاً ملی و شریف انتظار دارند؛ که با تأسف کرزی را نمی توان با تجربه های متعددی که از وی در طول بیشتر از دوازده سال داریم، یک چنین رئیس جمهور خواند.

پیام اصلی تر، نه استرحام یا خواهش، به آقای کرزی، اما، این است که آقای کرزی باید و بالاخره این فکر را از کله نامبارک شان بیرون کند که مردم افغانستان دیگر مردم افغانستان هما مردم ده - دوازده سال پیشتر هستند.

مردم ما، همه و از کران تا کران کشور، به حق و حقوق شان پی برده اند. مورد استتکاف از امضای معاهده امنیتی، انتصاب اشخاصی مانند قسیم فهیم و... یا مقبل دیروز و عثمانی امروز در کرسی وزارت خارجه، فساد، تواضع شرم آور در برابر طالب و پاکستان و... را شاید مردم، برای این که بازهم کشور در آتش سوزان غرقه نشود، تحمل کنند، اما مداخله در انتخابات را که حق مستقیم و غیرقابل انکار مردم است، مردم نمی توانند تحمل کنند.

در این مورد مردم به هیچ حرفی غیر از حق خود شان گوش نمی دهند. کرزی باید از حوصله مردم سوء استفاده نه کند. تحمل مردم را حد و مرزی است. محشر تونس نتیجه سر رفتن تحمل و حوصله مردم بود. محشر مصر و یمن، تا محشر اوکراین نتیجه سر رفتن تحمل و حوصله مردم و زورگوئی و خود سری و فساد حکومت های فاسد بوده است. این ندای زمان است. آن را نباید سطحی گرفت.

من به هیچ وجه آرزوی آن روزی ندارم که در شرایطی که ما در حال حاضر قرار داریم، چنین محشری در کشور ما رخ زشت و نازیبای خود را نشان بدهد، و مردم بازهم آن چه را که طی دوازده سال با هزار مشقت بدست آورده اند، خود بدست خویش نابود کنند، اما هیچ امری را نباید از امکان بعید دانست. و اگر چنین روزی خدای ناخواسته در کشور ما، که به آرامی به سوی ملت سازی و دولت سازی و جامعه سازی بهتر در حرکت است، بوجود آید، متوجه باشید که تنها و تنها شما، آقای رئیس جمهور، مسئول آن خواهید بود.

از همه این ها که بگذریم، جناب شما که در طی این همه سال رئیس جمهور بودید چه کردید که حال برادر خویش را "نیغ" کرده ائید؟

مسئله قابل تشویش دیگر این است که کی می داند که برادر شما هم، مانند شما، وقتی که رئیس جمهور شد، دو پایش را در یک موزه نخواهد کرد که من هم این قرارداد را امضا نمی کنم؛ و مانند شما با موزه های کثیف خویش بر روی مردم پا نخواهد گذاشت؟؟